



The New York Times

استراتژی اسرائیل
در برابر ایران

آنچه که می‌خوانید یادداشت بنی گانتز، وزیر دفاع سابق اسرائیل است که در آن درباره استراتژی اسرائیل در مقابل ایران و محور مقاومت توضیح داده است. مواضع مطرح در این نوشتار صرفاً جهت اطلاع از شیوه فکری مقامات اسرائیل منتشر می‌شود.

۷ اکتبر ۲۰۲۳، بدترین فاجعه را برای دولت اسرائیل و یهودیان از زمان هولوکاست رقم زد. تقریباً ۲۵۰ نفر را در یک روز گروگان گرفتند. ۱۰۱ نفر از این افراد هنوز در غزه اسیر هستند. حزب الله لبنان از روز بعد، حمله خود را به شمال اسرائیل آغاز کرد و نزدیک به ۷۰۰۰۰ اسرائیلی را مجبور به ترک خانه‌های خود کرد. ایران که حملات خود را ابتدا در ۱۳ آوریل و بار دیگر در ۱ اکتبر آغاز کرد، میلیون‌ها اسرائیلی را به پناهگاه‌ها فرستاد. یک سال بعد، باید پرسید: رهبران حماس به چه چیزی امیدوار بودند و رهبران ایران به دنبال چه چیزی هستند؟ چیزی که نظام سیاسی و نظامی اسرائیل تا حدودی از درک آن عاجز بود، این بود که حماس تا چه حد توسط هدف به راه انداختن جنگ مذهبی هدایت می‌شد. یکی از فرماندهان ارشد اطلاعاتی نیروهای دفاعی اسرائیل در اوایل جنگ با اشاره به یحیی سنوار، رهبر حماس، به من گفت: «ما اطلاعات کاملی داشتیم اما من مؤلفه جهادی محاسبات حماس و سنوار را دست کم گرفتیم.» ما همچنین به این هشدار عمل نکردیم که تا چه حد حماس بی‌ثباتی داخلی اسرائیل را به عنوان ضعفی که مانع عزم و توانایی اسرائیل برای پاسخ به یک حمله می‌شود، تفسیر کرد. از آن زمان، اطلاعات نشان داده است که چگونه سران حماس معتقد بودند که در ضعیف‌ترین حالت، ما قادر به متحد شدن نخواهیم بود. رهبر حماس و آیت‌الله خامنه‌ای آرزوی مشترکی دارند: نابود کردن اسرائیل. اما رهبری ایران حوصله‌راهبردی بیشتری داشت. اما اشتباه نکنید! ایران در حال آماده شدن برای فرصت مناسب است. واضح است که اسرائیل و جهان باید در مواجهه با تهدیدی که ایران برای موجودیت اسرائیل و آینده منطقه ایجاد می‌کند، فعال و مصمم باشند. جهان نمی‌تواند نقش ایران را در خفه کردن آزادی کشتیرانی و آسیب رساندن به تجارت جهانی در دریای سرخ یا حمایت فنی و نظامی از روسیه در اوکراین نادیده بگیرد. رژیم و محور آن باید با خاورمیانه‌ای قدرتمند و متحد به رهبری و حمایت آمریکا رویه‌رو شوند که آماده است برای جلوگیری از تحقق چشم‌انداز ایران در منطقه ۷ اکتبر ابتکار عمل را به دست گیرد. اکنون زمان تقویت است. همکاری منطقه‌ای و تلاش گسترده برای مقابله با ایران.

در جبهه نظامی دولت‌ها باید با قدرت و فعالانه با تجاوز ایران درگیر شوند و به طور سیستماتیک توانایی‌های نیابتی آن را تنزل دهند. این مسئولیتی است که اسرائیل در این هفته در اقدام نظامی خود علیه حزب الله و حوثی‌ها بر عهده گرفته است و در حال بررسی نحوه واکنش به آخرین حمله موشکی ایران است. ما همچنین باید برای لحظه مناسب برای رفع خطر توسعه سلاح هسته‌ای ایران، در صورت عبور از این خط قرمز روشن، آماده شویم. در جبهه منطقه‌ای: ما باید معماری منطقه‌ای مبتنی بر سازوکار دفاع هوایی خاورمیانه (MEAD) و پیمان ابراهیم را تقویت کنیم. ما باید به توسعه هماهنگی هوایی خاورمیانه ادامه دهیم و در عین حال دورنمای هماهنگی تهاجمی را برای استقرار در صورت نیاز بررسی کنیم.

در جبهه اقتصادی: کشورها باید خط لوله مالی تروریسم را با تقویت تحریم‌ها، هدف قرار دادن صنایع کلیدی ایران و تعقیب دارایی‌های آن در خارج از کشور قطع کنند. در بُعد حقوقی دولت‌هایی که قبلاً این کار را نکرده‌اند باید جمهوری اسلامی و شاخه‌های آن از جمله سپاه پاسداران را در لیست تروریستی خود قرار دهند. آنها همچنین باید نیروهای ایرانی را که در سطح جهانی فعالیت می‌کنند، متوقف کنند. در جبهه سیاسی، آنها باید اپوزیسیون ایران را قدرتمند کرده و رژیم ایران را در مجمع بزرگ بین‌المللی منزوی کنند. چنین کمپین هماهنگی مستلزم زمان و منابع و تعهدی موقر، پایدار و متحد است. اسرائیل، همراه با اوکراین و تایوان، یک پایگاه دموکراتیک است که توسط یک محور براندازی تهدید می‌شود. اگر یکی بيفتد، بقیه نیز در دومیته‌ی رخ می‌دهد و کشورهایی که در این بین گیر افتاده‌اند باید طرفی را انتخاب کنند.



آوری گولدربرگ

کارشناس خاورمیانه

مترجم: یاسمن طاهریان - اسرائیل در لبنان چه کار می‌کند؟ پیش از آنکه به نقشه بیزانسی که عملیات اسرائیل در لبنان براساس آن طراحی شده بپردازیم، باید مسئله‌ای را که می‌دانیم درست است، بیان کنیم. اسرائیل دارد لبنانی‌ها را می‌کشد، فقط در این ماه دست کم هزار نفر را با حملات ترکیبی شامل خراب‌کاری (انفجار پیجرها و دستگاه‌های واکی-تاکو (بی‌سیم) در هفدهم و هجدهم سپتامبر) و بمباران‌های غیرقابل کنترل و مداوم کشته است. بی‌تفاوتی‌ای که اسرائیل نسبت به کشتار لبنانی‌ها دارد با توجهیاتی مثل «آنها نباید موشک در گاراژهایشان نگه می‌داشتند» یا «در جنگ اتفاق‌های بد برای آدم‌های خوب می‌افتد» همراه است که البته وقاحت کشتارها را کم نمی‌کند. اسرائیل همچنان که به دنبال «خنثی کردن حزب الله» است (برای اینکه گیج نشوید، با «از بین بردن» حماس متفاوت است). این رژیم در حال کشتار بسیاری از لبنانی‌هایی است که بسیاری از آن‌ها غیرنظامیان بی‌گناه‌اند. با این وجود، اسرائیل در لبنان چه کار می‌کند؟



یا اینکه اسرائیل در لبنان چه می‌خواهد؟ اسرائیل با حملات مداوم و غیرقابل کنترل به تمامیت ارضی لبنان، به دنبال چه چیزی می‌گردد؟ پاسخ‌های متفاوتی برای این سوال‌ها وجود دارد. غیرنظامیان اسرائیلی و شاخه‌های مختلف مقامات عالی‌رتبه خواسته‌های متفاوتی دارند اما تمام پاسخ‌ها با سردرگمی غیرنظامیان اسرائیلی شروع می‌شود. پس از حمله هفتم اکتبر حماس نزدیک به ۱۰۰ هزار اسرائیلی خانه‌های خود را در شمال اسرائیل ترک کرده‌اند. دلیل ترک این خانه‌ها این بود که مقامات اسرائیلی به آنها گفتند به همان اندازه که حماس حملاتی را در جنوب انجام داده، حزب الله هم نسخه حملات مخصوص به خود را برنامهریزی کرده است.

آنها به خانه‌هایشان بازنگشته‌اند چون شمال اسرائیل از هشتم اکتبر از سوی حزب الله تحت بمباران‌های ادامه‌دار قرار گرفته است. ارتش هم هشدار داده که نمی‌تواند هیچ‌نوع حفاظتی را برای آن دسته از شهرک‌نشینانی که تصمیم می‌گیرند به خانه‌هایشان برگردند، تضمین کند. در هر صورت نیاز نبود آنها را متقاعد کرد. جو عمومی در اسرائیل تا مدت‌ها این بود که وقوع حملاتی به رهبری ایران در چندین جبهه اجتناب‌ناپذیر است. اسرائیلی‌هایی می‌توانند تصور کنند که حماس توانست هفتم اکتبر را بدون کمک ایران انجام دهد. اسرائیل معتقد بود هر جا که ایرانی‌ها باشند، حزب الله هم کمی عقب‌تر ایستاده است.

شهرک‌نشینانی که مجبور به ترک خانه‌هایشان شده‌اند، در سراسر کشور در مکان‌های مختلف اسکان داده شده‌اند. برای نزدیک به یک سال، آنها در مکان‌های موقت زندگی کرده‌اند، اغلب در هتل‌های سه‌ستاره، که کل خانواده‌ها در یک اتاق جا داده شده‌اند. نه ارتش و نه دولت درباره اینکه شهرک‌نشینان چه زمانی می‌توانند به خانه‌هایشان بازگردند هیچ اطلاعاتی نداده است. پس آنها بدون هیچ اطلاعی از آینده زندگی می‌کنند. مدارس ایالتی برای کودکان باز بوده‌اند اما کسب‌وکارهای تعطیل شده در شمال خالی از سکنه، در واقع مشکل خودشان است؛ همانطور که اجاره‌ها و وام‌هایی که باید همچنان برای خانه‌ها و آپارتمانی‌هایی که در آن‌ها زندگی نمی‌کنند، پرداخت شوند. شرایط آنها پایدار نیست. آنها باید به خانه‌هایشان برگردند. اما شمال اسرائیل تحت حملات بی‌امان آتش‌های حزب الله قرار دارد. اسرائیلی‌ها نمی‌خواهند به خانه‌هایشان برگردند چون احساس می‌کنند دولت آنها را نادیده گرفته است. از نوامبر ۲۰۲۳، دولت اسرائیل به‌طور مرتب به آنها و به خود گفته است که تنها راه حل برای این مشکل یک جنگ است که حزب الله را از مرز اسرائیل و لبنان به عقب براند.

سال ۲۰۰۶، جنگ بین اسرائیل و لبنان ۳۴ روز طول کشید که در آن حدود ۱۲۰۰ لبنانی و ۴۴ اسرائیلی کشته شدند. [که به جنگ ۳۳ روزه معروف است] این جنگ با

آزمون جنگ و آتش بس

ارتش اسرائیل در ۵ سال گذشته ۳ بار به لبنان حمله کرده اما هیچ وقت پیروز نبوده است



عکس: Gettyimages



استراتژی پرخطر اسرائیل در قبال حزب الله

می‌کرد به دنبال «تشدید تنش برای تنش‌زدایی» است تا دشمن خود را به یک راه‌حل دیپلماتیک وادار کند. این قرانت خطرناک و ناقصی است که شاید برای فریب دادن متحد خود، ایالات متحده طراحی شده تا این باور را داشته باشد راه‌حل دیپلماتیک که واشنگتن میزان زیادی از انرژی خود را برای آن گذاشته، همچنان هدف اسرائیل است.

اما هرچه آسیب‌هایی که اخیراً به حزب الله وارد می‌شود، بیشتر شود، احتمال موفقیت کوتاه‌مدت اسرائیل بیشتر به‌نظر می‌رسد. یک جنگ زمینی تمام‌عیار بین ارتش خسته و دودسته اسرائیل و نیروهای باتجربه و خشمگین حزب الله در جنوب لبنان احتمالاً برای اسرائیل فاجعه‌بار خواهد بود. این دقیقاً همان چیزی است که حزب الله در آن خوب است و انتظار آن را می‌کشد. با این حال همان چیزی است که اسرائیل فعلاً نمی‌خواهد وارد آن شود.



نیک پیتون والش

تحلیل‌گر CNN

جنگ‌ها برای برقراری صلح به ندرت موفقیت‌آمیزند. آنها معمولاً با یک انتخاب رخ می‌دهند: حمله پیشگیرانه برای خنثی کردن یک تهدید محسوس. اسرائیل و حزب الله حدوداً یک سال است که در وحشت تشدید حملات تلافی‌جویانه گیر کرده‌اند. اما در هفته گذشته اسرائیل به‌وضوح تصمیم گرفت تا حملات خود را علیه این گروه نیابتی ایران به‌طور گسترده‌ای افزایش دهد. به گفته برخی گزارش‌ها اسرائیل ادعا

هفته گذشته شکاف فناوری بین دو دشمن را به‌نمایش گذاشت. یک طرف برای فرار از جاسوس‌افزار و نظارت اسرائیل مجبور شد به فناوری دو دهه پیش روی آورد. طرف دیگری می‌تواند به زنجیره تامین محدود آن دستگاه‌ها (هزاران پیجر طراحی تایوان) نفوذ کند و مواد منفجره کار بگذارد که به صدها نفر از عوامل ارشد حزب الله به‌طور همزمان آسیب بزند، آنها را معلول کند و در عین حال کودکان را بکشد و هزاران نفر دیگر را زخمی کند.

این حمله به‌شدت بی‌رحمانه برای اسرائیل کافی نبود و ۲۴ ساعت بعد با انفجار مجموعه‌ای از بی‌سیم‌های واکی‌تاکو، حتی در مراسم تشییع جنازه افرادی که روز قبل ترور شده بودند، شبه‌نظامیان بیشتری را کشت. در وحشت پس از آن، اسرائیل ظاهراً اعضای حزب الله را شناسایی می‌کند و می‌تواند بیش از ده‌ها مقام ارشد و یک فرمانده ارشد، ابراهیم عقیل را همزمان در انفجاری مهیب در جنوب بیروت ترور کند.

در تمام این مدت، مواضع حزب الله در جنوب لبنان با حملات هوایی مکرر مورد حمله قرار گرفت. آسیب‌های قابل توجهی به فرماندهی، کنترل، روحیه و تجهیزات حزب الله وارد شده که تماماً بدون